

## قرض الحسنه

یکی از اصل های مهم اسلامی، اصل قرض الحسنه (وام دادن بدون سود) می باشد که در قرآن و زندگی امامان - علیهم السلام - اهتمام بسیاری به آن داده شده است. برای روشن شدن مطلب، لازم است در این راستا سه مطلب را مورد بررسی قرار دهیم:

۱. معنی قرض الحسنه.

۲. قرض الحسنه در قرآن.

۳. اهتمام امامان به قرض الحسنه.

### معنی قرض الحسنه

واژه «قرض» در ریشه لغوی به معنی بریدن است. از این رو عرب به قیچی که برنده است، مقرض می گویند. استعمال این واژه در وام بدون بهره، از این رو که انسان وقتی می تواند به چنین کار نیکی توفیق یابد که دلبستگی به مال و ثروت را از خود ببرد و قطع کند، وگرنه به چنین توفیقی نخواهد رسید. و معنی دیگر بریدن این است که قرض دهنده قسمتی از اموالش را جدا کرده و به قرض گیرنده می دهد.

لازم به تذکر است که قرض دادن به قرض پول، منحصر نیست. بلکه شامل قرض کالاهای مختلف نیز می شود. مثلاً همسایه ای می خواهد عروسی کند و نیاز به فرش و ظرف دارد، شما به مدت یک هفته یا یک ماه، مقداری ظرف و فرش به او قرض می دهید. این کار نیز قرض الحسنه است.

کوتاه سخن اینکه: به طور کلی توفیق به انفاق های مالی به بریدگی و وارستگی بستگی دارد. چرا که اگر انسان به ثروت دنیا وابسته باشد و از آن دل نکند، هرگز حاضر نمی شود به انسان نیازمندی وام بدون بهره بدهد. در داستان حضرت ابراهیم خلیل - علیه السلام - در رابطه با اطمینان و یقین به معاد، خداوند به او فرمود: چهار پرنده را بگیر و آنها را ذبح کن و گوشت آنها را مخلوط کرده و ده قسمت کن و هر جزیی از آن را روی کوهی بگذار و سپس در جایی بنشین و آن چهار پرنده را به اذن خدا صدا بزن. آنها زنده می شوند و نزد تو پرواز می کنند. ابراهیم چنین کرد و آنها زنده شدند و نزد ابراهیم آمدند. قلب ابراهیم - علیه السلام - سرشار از یقین به معاد و زنده شدن مردگان در قیامت شد. [۱]

مرحوم شیخ صدوق روایت می کند که این چهار پرنده عبارت بودند از: طاووس، کرکس، خروس و مرغابی که هر کدام از اینها به یکی از صفات رذیله انسان اشاره می کند؛ طاووس اشاره به دلبستگی زینت دنیا است، کرکس اشاره به آرزوی دراز، خروس اشاره به طغیان شهوت جنسی، و مرغابی اشاره به حرص است. اگر انسان این چهار صفت را از خود دور کند می تواند به کمالات عالی انسانی نائل شود. [۲]

مولانا در کتاب مثنوی، این مطلب را با اندکی تفاوت، به صورت شعر بیان کرده: تو خلیل وقتی ای خورشید هُش این چهار اطيوار رهن را بکش خُلق را گر زندگی خواهی ابد سر ببر زین چار مرغ شوم و بد [۳] توضیح بیشتر اینکه؛ عبادات بر دو گونه است: غیر مالی و مالی. عبادات غیر مالی مانند: نماز، روزه و... عبادات مالی مانند: خمس، زکات، قرض الحسنه و... در عبادات مالی باید دست در جیب کرد و از علاقه به مال و پول برید، زیرا گذشته از مال و ثروت مشکل و دشوار است. قرض الحسنه علاوه بر اینکه یک مسأله اجتماعی است. یک مسأله اخلاقی نیز است. زیرا اولاً روح محبت و تعاون که یک صفت ممتاز اخلاقی است موجب رواج قرض الحسنه در جامعه می شود، و ثانیاً این کار نیک، روح برادری و عطف را زنده می سازد و موجب سلامت جامعه از ربا و پیامدهای شوم و ویرانگر آن می شود. از این رو در روایات اسلامی به یکی از حقوق مؤمنان نسبت به همدیگر یاد شده است، از جمله امام باقر - علیه السلام - در ضمن شمارش حقوق مؤمن نسبت به مؤمن، فرمود: «و یفرّج عنه کربته و یقضی دینه» از حقوق مؤمن بر مؤمن این است که اندوه او را برطرف سازد، و قرضش را ادا کند. [۴]

## قرض الحسنه در قرآن

در قرآن، سیزده بار با واژه های گوناگون، سخن از قرض به میان آمده و با آن تأکید شده است. در هر جا که کلمه «قرض» آمده به دنبال آن کلمه «حَسَنًا» نیز آمده است. [۵] از این رو در اسلام به وام بی بهره «قرض الحسنه» می گویند. این ترکیب بیانگر آن است که قرض دادن باید به صورت نیکو انجام شود. نیکویی آن را می توان از چند جهت تصوّر کرد: ۱. آبرومندانه باشد. ۲. بی منت باشد. ۳. بدون چشم داشت به سود و بهره باشد. ۴. برای خشنودی خدا باشد. ۵. از روی میل و علاقه باشد. در اینجا نظر شما را به ذکر سه آیه از میان آیات قرض الحسنه جلب می کنم: ۱. در آیه ۱۲ سوره مائده می خوانیم که خداوند به بنی اسرائیل فرمود: ... وَ أَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَ لَأُدْخِلَنَّكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ: اگر نماز به پا دارید و زکات بدهید و به رسولان ایمان بیاورید و آنها را یاری کنید و قرض الحسنه به خدا بدهید، گناهان شما را محو می کنم و شما را در باغ هایی از بهشت که نهرها از زیر درختانش جاری است وارد می کنم. در این آیه در رابطه با قرض الحسنه چند نکته وجود دارد. نخست اینکه: این دستور به قدری مهم است که پس از نماز و زکات و ایمان و یاری رسولان خدا، ذکر شده، دوم اینکه: این دستور در ادیان پیشین نیز از دستورهای مهم خدا بوده است. سوم اینکه: پاداش آن بخشش گناهان و بهشت پر نعمت است. چهارم آنکه: قرض الحسنه، قرض دادن به خداست. یعنی مورد پذیرش حق است و خدا دستش را به جای دست مستمند قرار می دهد. ۲. در آیه ۲۰ سوره مزمل می خوانیم: ... وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ أَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا...: و نماز را برپا دارید و زکات را ادا کنید و به خدا قرض الحسنه دهید. در این آیه سه نکته قابل توجه است؛ نخست اینکه: قرض الحسنه، بعد از نماز و زکات به عنوان سومین دستور ذکر شده که بیانگر اهمیت آن است. دوم آنکه: قرض الحسنه قرض دادن به خداست. اشاره به اینکه گویی قرض دهنده با خدا معامله می کند و خداوند قرض او را می پذیرد. سوم اینکه: این اصل مقدّس مانند نماز و زکات، باید در سطح وسیع و همگانی انجام شود. لذا در آیه فوق با واژه جمع، به عموم مردم از زن و مرد، خطاب شده است. ۳. در آیه ۱۷ تغابن می خوانیم: إِنْ تُقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعِفْ لَكُمْ وَ يَغْفِرْ لَكُمْ وَ اللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ: اگر به خدا قرض الحسنه دهید، آن را برای شما چند برابر سازد و شما را می بخشد و خداوند تشکر کننده و بردبار است. [۶] در این آیه نیز به چند نکته در ارزش قرض دادن اشاره شده؛ نخست اینکه: قرض دادن به مؤمنان، قرض دادن به خداست و مورد پذیرش حق است. دوم اینکه: قرض دادن موجب افزایش نعمت به چندین برابر مقدار قرض می گردد. سوم اینکه: موجب آمرزش گناهان از سوی خدا می شود. چهارم اینکه: خداوند از قرض دهنده تشکر می کند، یعنی آن را به نیکی می پذیرد و با پاداش های دنیوی و اخروی جبران می نماید. اهتمام امامان - علیهم السلام - به قرض الحسنه خاندان رسالت - علیهم السلام - در گفتار و رفتارشان به قرض الحسنه اهمیت فراوان می دادند و خود در این راه پیشقدم می شدند و پیروانشان را با تأکیدهای بسیار به این امر مقدّس دستور می دادند. در کتاب وسائل الشیعه که از منابع فقه شیعه است و محور استنباط و اجتهاد مجتهدان تشیع می باشد، در جلد سیزده، ۱۳۴ روایت در «ابواب الدّین» درباره قرض و پاداش و احکام آن ذکر شده است.

### چند نمونه از گفتار امامان - علیهم السلام - در پاداش قرض دادن

در اینجا به عنوان نمونه، نظر شما را از میان دهها روایت به ذکر چند روایت در مورد پاداش قرض دادن جلب می کنیم:

۱. رسول خدا - صلی الله علیه و آله - فرمود: من اقترض اخاه المسلم كان له بكلّ درهمٍ اقترضه وزن جبل احدٍ من جبال رضوی و طور سیناء حسنات، و ان رفق به فی طلبه، تعدّی به علی الصّراط کالبرق الخاطف اللامع بغير حسابٍ و لا عذابٍ: کسی که به برادر مسلمانش قرض بدهد، به اندازه هر درهمی که به او می دهد به بزرگی کوه احد از کوههای رضوی و طور سینا، برای او پادشاهی هست و اگر در مورد گرفتن طلب خود با آن مؤمن، مدارا و رفاقت کند، همانند برق خیره کننده و درخشان، بدون حساب از روی پل صراط بگذرد. [۷] ۲. امام صادق - علیه السلام - فرمود: ما من مسلم اقترض مسلماً قرضاً حسناً یرید به وجه الله الا حسب الله له اجرها کحساب الصدقه حتی یرجع الیه: هر مسلمانی که برای رضای خدا به مسلمانی قرض الحسنه بدهد، حتماً خداوند پاداش آن را مانند پاداش صدقه دادن حساب می کند، تا هنگامی که آن قرض به او باز گردد. [۸]

۳. پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - فرمود: من اقرض مؤمناً قرضاً ينتظر به میسوره، کان ماله فی زکاه، و کان هو فی صلاه من الملائکه حتی یؤدیه: کسی که به مؤمنی تا مدتی که او توان ادای آن را داشته باشد، قرض بدهد، مال او به عنوان زکات است (و ثواب زکات را دارد) و قرض دهنده تا هنگام ادای قرض، مورد درود فرشتگان است.<sup>[۹]</sup>

۴. امام صادق - علیه السلام - فرمود: مکتوبٌ علی الجنّه: الصدقه بعشر، و القرض بثمانیه عشر، و انما صار القرض افضل من الصدقه لانّ المستقرض لا یتقرض الا من حاجه، و قد یطلب الصدقه من لا یحتاج الیها: بر در بهشت نوشته شده: پاداش صدقه ده برابر، ولی پاداش قرض، هیجده برابر است. آنگاه فرمود: پاداش قرض از این رو بر پاداش صدقه بیشتر است که قرض گیرنده جز از روی نیاز قرض نمی گیرد، ولی صدقه گیرنده گاهی با اینکه نیاز ندارد، صدقه می گیرد.<sup>[۱۰]</sup>

[۱] مجمع البیان، ج ۲، ص ۳۷۳، ذیل آیه ۲۶۰ بقره.

[۲] خصال صدوق، باب الاربعه، ص ۲۱۶.

[۳] دیوان مثنوی، آغاز دفتر پنجم.

[۴] اصول کافی، ج ۲، ص ۱۶۹.

[۵] مانند آیه ۲۴۵ بقره، مائده، ۱۱ و ۱۸ حدید، ۱۷ تغابن و ۲۰ مزمل.

[۶] در آیه ۲۴۵ بقره. نظیر این آیه با اندکی تفاوت آمده است.

[۷] وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۸۸.

[۸] وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۸۷، ثواب الاعمال، ص ۳۰۸.

[۹] همان مدرک، ثواب الاعمال، ص ۳۰۸.

[۱۰] بحار، ج ۱۰۳، ص ۱۳۹.